

در سوگ فاطمه زهرا(ع) شهیده سنگر امامت

عرشیان در سوگ فاطمه(س) نالانند. فرزندان فاطمه(س) ناباورانه پیکر مطهر و بی‌جان مادر را در آغوش کشیده، معصومانه می‌گیرند و با ذره ذره وجودشان از مادر می‌خواهند که بار دیگر با آنان سخن بگوید، فاطمه(س) اما مظلوم و زجر کشیده همچنان ساکت است.



عرشیان در سوگ فاطمه(س) نالانند. فرزندان فاطمه(س) ناباورانه پیکر مطهر و بی‌جان مادر را در آغوش کشیده، معصومانه می‌گیرند و با ذره ذره وجودشان از مادر می‌خواهند که بار دیگر با آنان سخن بگوید، فاطمه(س) اما مظلوم و زجر کشیده همچنان ساکت است. ماه با شرمساری، خود را پشت ابرهای سیاه پنهان ساخته تا تاریکی شب، چنان همه مدینه را بیوشاند که کسی نبیند و نداند که پیکر پاک دختر رسول خدا(ص) بر روی دستان مبارک امام علی(ع) به سوی کدامین خاک می‌رود. شب که همیشه با ناله‌های علی(ع) آشناست، حال شاهد مظلومیت و زمزمه‌های حزن‌انگیز اوست، زمزمه‌های حزن‌انگیزی که در غم از دست دادن فاطمه از عمق وجود مولا(ع) برمی‌خیزد. لحظه‌ها، آرام و قرار ندارند گویی از آن می‌ترسند که بغض علی(ع) بترکد و آسمان فرو ریزد کوچه‌های تاریک مدینه، شرمگین از امانت‌داری خود، در سکوت مرگ‌آوری فرو رفته‌اند. ملائکه، مدینه را سرزنش می‌کنند:

171#& مگر رسول خدا(ص) نفرموده بود که فاطمه پاره تن من است؟ وای بر تو ای مدینه که چه بد امانت‌داری بودی! زمین، حضور گام‌های آرام علی(ع) را حس می‌کند. همان گام‌هایی که هر گاه در میدان مبارزه با دشمن به حرکت درمی‌آمد، زمین و زمان از صلابت و هیبت آن بر خود می‌لرزید و هیچ کس را یارای مقاومت در برابر او نبود و با همان گام‌هایی که یتیمان و بینوایان کوفه هر گاه خش خش گام علی(ع) را در دل شب می‌شنیدند، نور امید وجودشان را پر می‌کرد. و حالا علی(ع) است و شب و تنهایی و پیکر مطهر همسر و ناله‌های معصومانه فرزندان و به اندازه تمام جهان غم و بغضی که گوی حضرتش را می‌فشارد و خیل ملائکه که آمده‌اند تا در این تنهایی، غمخوار مولا(ع) باشند ...

فرزندان فاطمه(س) آخرین وداع را با مادر می‌کنند و پیکر مطهر زهرای مرضیه با خاک آشنا می‌شود و روح پاکش به پدر بزرگوارش رسول خدا(ص) می‌پیوندد و خاک، چنان به وصیت فاطمه(س) وفادار است که اثری از قبر، باقی نمی‌گذارد. حزن و اندوه، چنان بر وجود مولای متقیان، اسوه صبر و ایمان و شجاعت غلبه می‌کند که اشک از دیدگان مبارکش سرازیر می‌شود. علی(ع) روی مبارک را به سوی قبر پیامبر(ص) برمی‌گرداند و با او درد دل می‌کند:

171#& السلام عليك یا رسول الله ... (ص) ... فاطمه، نور دیده‌ات امشب به زیارت شما آمده ... خداوند اینگونه مقدر ساخته که در میان اهل بیت، فاطمه زودتر از دیگران به تو بپیوندد ... یا رسول الله ... اکنون امانت خویش را از من باز گرفتی ... بعد از فاطمه(س) اندوه، همیشه با من خواهد بود و شب‌هایم به بیداری خواهد گذشت و این حزن و اندوه با من خواهد بود تا وقتی که خداوند برای من نیز سرائی را که تو در آن مقیم هستی، اختیار کند...

یا رسول الله ... (ص) در سینه‌ام اندوهی است که آرام می‌دهد ... چقدر زود بین من و فاطمه(س) جدایی افتاد ... اکنون تو، خود از غم‌هایی که بر سینه فاطمه‌ات نشسته بود، از او پیرس ... غم‌هایی که نمی‌توانست به کسی بگوید ... (1) رسول خدا دخترش فاطمه را بیش از آنچه مردم انتظار داشتند، عزیز و گرمی می‌داشت و خیلی بیشتر از آن اندازه که مردان به دختران خود توجه و علاقه نشان می‌دهند به او توجه و محبت می‌کرد، به طوری که به نظر می‌آمد که از حدود دوستی پدر و فرزندی بسیار پا فراتر نهاده است.

آن حضرت نزد خودی‌ها و عموم مردم بارها، نه یک بار و دو بار، در مواقع مختلف، نه یک جا و دو جا، فرموده بود:

171#& فاطمه بانوی بانوان جهانیان است» (2)

فاطمه روز قیامت که می‌خواهد از محشر عبور کند از سوی عرش رحمان ندا می‌رسد: 171#& چشم‌ها را فرو افکنید که فاطمه دختر محمد عبور کند. (3)

و رسول خدا(ص) بارها فرمود: 171#& رنج فاطمه رنج من، خشم او خشم من، نگرانی او نگرانی من است. (4)

* *

حضرت فاطمه(س) در سال پنجم بعثت در مکه متولد شد. آن حضرت در پنج سالگی مادر خویش را از دست داد. ایشان بسیار مورد علاقه پدر بزرگوارش بود تا حدی که پیامبر اسلام (ص) می‌فرمود: 171#& فاطمه پاره تن من است. هر که او را شاد گرداند، مرا شاد کرده، و هر که او را بیازارد، مرا آزرده است. (5)

این بانوی بزرگ در عبادت خدا و پرهیزگاری و فضیلت، آئینه تمام‌نمای پدرش، رسول خدا بود. روزی پیامبر اکرم به او فرمود: بهترین چیزها برای زن چیست؟ حضرت زهرا عرض کرد: 171#& اینکه او نامحرم را نبیند و نامحرم هم او را نبیند. وی در سن نوجوانی با امام علی(ع) ازدواج نمود و نسل پیامبر (ص) و یازده امام گرمی از ایشان می‌باشد. آن حضرت در سال یازدهم هجری پس از رحلت پدر گرامیش چشم از جهان فرو بست.

آری زندگی کوتاه و زودگذر حضرت زهرا(س) با فراز و نشیب‌های جانکاه و طاقت‌فرسایی همراه بود که صبر و شکیبایی در برابر آنها به زانو در می‌آمد و مردان بزرگ را توان شنیدن نبود، تا چه رسد که با آن حوادث روبه‌رو شوند و این از برتری‌های بی‌مانند آن حضرت

بود. اما برجسته‌ترین فضیلت در زندگی زهراى اطهر(س) حمایت بی‌دریغ حضرتش در دفاع از مقام ولایت علی بن ابی‌طالب(ع) است و تحمل آن همه سختی و مصیبت و درد و رنج در طول دوران زندگی کوتاه ولی پر برکت و ایراد خطبه‌های روشنگرانه و حتی سکوت و خاموشیش، همه و همه، در این راستا قرار دارند و این پایداری و شکیبایی تا سر حد شهادت ادامه یافت و به حق، می‌توان آن وجود قدسی را شهیده سنگر امانت نامید.

منابع: -

- 1- امیری‌پور، احمد، راهنمای تاریخ انبیا و چهارده معصوم(ع)، مشهد، انتشارات ترنم، چاپ چهاردهم، 1384، ص 69.
- 2- مروارید، مرتضی، طاهرین 2، مشهد، کارشناسی اقامه نماز سازمان آموزش و پرورش خراسان، چاپ اول، 1382، ص 36.

پی‌نوشت‌ها: -

- 1) نهج البلاغه، خ 202.
- 2) معانی الاخبار 7 ص 107. بحارالانوار، ج 43، ص 24.
- 3) تاریخ بغداد، ج 8، ص 141.
- 4) بحارالانوار، ج 43 - 23.
- 5) همان.

نویسنده: پروین - بهروزنیا

منبع: ماهنامه - پیام زن